


ارگان اتحاد چپ دمکراتیک ایران
تشریف در ناخیل کشور
شماره ۱۲ - دوم بهمن ۱۳۲۵

- فسر محاسبه گسری سبک و الینا دلینو به ایران

گری سبک یکی از معروفترین و موثرترین اسرار نوسین ها و سیاستگزارها، مخالف قدرتمند آمریکا و از طرفداران جدی بهبود روابط ایران و آمریکا، و همچنین سر می آرا فرا دمیتت تحریریه روزنامه "نیویورک تایمز" و جبهه شاخس آنها، خانم (الینا دلینو) سردبیر دبیرلما تیک (روزنامه) در آذرماه ۱۳۲۵، بدون سرومدا به ایران سفر کرده و با برخی از مقامات مشول کشور دیدار و مذاکره کرده اند. کاملاً مسلم است که در این دیدارها و مذاکرات به هجوجه منافع ملی، مصالح مهمه و منافع مردم و حقوق اساسی آنها مورد توجه مذاکره کنندگان درنمایدگان مخالف حکومتها ی ایران و آمریکا نبوده است. هدف اصلی حکومتگران ایران، جلب رضایت و کمک مخالف قدرتمند اروپائی و سویزه آمریکائی برای غلبه بر معضلات عمیق اقتصادی و سیاسی و امنیتی کشور و نلامی کشور در جهت حفظ و تدکیم حاکمیت استبدادی خود و ساختار ضد مردمی و ضد دمکراتیک موجود است. دولت آمریکا نیز برای تثبیت و تدکیم سلطه اقتصادی و سیاسی و نلامی خود در منطقه خاور میانه و خلیج فارس و آسیای میانه و نیز استقرار سلطه مطلق و همه جانبه خود بر کشور، حاضر به کمک و تقویت حاکمیت حتی راست ترین مخالف ضد مردمی بر کشور ایران نمی باشد. اما نیروهای دمکراتیک و ملی کشور راه نجات مهمن و رهائی مردم از استبداد و فقر و بی عدالتی و تا مین خواستها ی عدالتجویانه و حقوقی دمکراتیک در جامعه و تحقق دمکراسی، حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی در کشور را در مبارزه ای متحد و متفکک آگاهانه و نوده ای و مردمی، برای گذارنالم و آرام از حکومت استبدادی دهنی جمهوری اسلامی به حکومتی دمکراتیک، ببردین و ملی و مردمی و تنهیر بنیادین ساخت سلطه سرمایه داری تجاری انگلی کنونی، میدانند. ولی این مبارزه را با اتکا به نوده های مردم ندام می نغندند. در این مبارزه برای دولتها ی خارجی هبگونه حد دمالنی قائل نیستند و ولیفه خود میدانند که مبارزه خود علیه حکومت استبدادی دهنی را به موازات مبارزه علیه سلطه ملی امپریالیسم جهانی و مقابله با اقدامها و فداهای آنها برضد مردم و منافع ملی کشور کشور دهند.

در روز دوشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۷۴ ، دکتر احمد تغفلی کاوشنامی باستانی - برنده جایزه " گریمن " فرهنگستان فرانسه - دکترای افتخاری شورای علمی دانشگاه دولتی سن پترزبورگ - معاون فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایران - توسط یک گروه تروریستی ربوده می شود و به قتل می رسد. دکتر احمد تغفلی در روز دوشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۷۵ ، پس از اتمام یک جلسه بحث و تحقیق مربوط به زمان باستانی ، در ساعت ۴ بعد از ظهر با اتومبیل شخصی خود و با همراهی دو تن از همکارانش به سمت منزل خود حرکت می کند . پس از آنکه وی همکار خود را در میدان تجربی پیدا می کند ، به وی می گوید که بدلیل عدم تنگنا به سمت منزل خود حرکت می کند ، در حالی که منزل دکتر احمد تغفلی در خیابان سعد آباد (نزدیک میدان تجربی) قرار داده در ساعت ها بعد ، حد دکتر تغفلی در نزدیکی کیلومتر دوازدهم در بزرگراه بزرگ پیدا می شود. در حالیکه جمعه وی با میله (ماشی - زنگین دیگری) زکته شده و در کنار اتومبیلش افتاده بود. شواهد نشان می دهد که آن است که دکتر احمد تغفلی در یک برنام از پیش تعیین شده و در حالی که تحت تعقیب کامل بوده است ، پس از ترک همکارش در میدان تجربی ، توسط یک اکتیو تروریستی بدون آنکه " ملخ خاصی را در محیط اطراف پراکنده " ریبوده و به محلی در بزرگ برده می شود و سپس به قتل می رسد.

اینکه چه گروه تروریستی و با کدام انگیزه و هدف معین دست به اینکار زده است ، به اطلاعات موثق تر و دقیق تری نیاز دارد.

(طنز سیاسی)

مادر کهنه

تین که یک تریس نمی توانست
مخالفان خود را تحمل کند ، قبول
اینهم که آن رژیم نازک نارنجی ،
حذف فیزیکی مخالفانش را تنها راه
مقابله با آنها می داند ، اینهم قبول
اما اینکه یک رژیم می تواند ، اینهم
تروریست تربیت می کند ، یک
تروریست اینهم می تربیت آید
در بیاید ، جای گلاب دارد
اینجا دیگر ، آن سه او ایرانیان
پس نشانی هم که می گویند " ترور
ساجه ، مادر ، ساجه ، سیاست

هم بدرد راه مقبول کند .
سه سال و نیم پیش در دستور آن
میکونوس برلین همین اتفاق افتاد .
بعد از اینکه دیرکل حزب معجزات
گورستان و همراهمش را به " رگبار "
بستاند ، یک نفر ملاره " گویان
تیر خلاص به آنها زده ! جانی
والرهای آلمانی و ستان گنبرهای
برلین از همینجا فحشده اند (یا
مجبور شده اند پیدیرنده) که قاتل
آخری ، ایرانی بوده !

کمتر کسی دوست دارد مخاطف
دشنام و سفظ و ناسزا باشد .
هیچکس از فحش خوردن خوشش
نمی آید ، حالا این فحش را راننده
انسوبیلی که با سرعت رد می شود
بلهه با یک مزاحم فحش یا یک لات
می جاک دهی یا خدای نکرده ، زبانم
لال ، همسر و شریک زندگی آدم !
چه برسد به اینکه پکتر با مسلسل
زده باشد آدم را لالت و بار کرده باشد
و نفر بعدی در حالی که تیر خلاص
به کله آدم می زند بک مادر ...

کسانی که برای وطن شان آزادی
می خواهند ، کسانی که برای
قوم شان خودمختاری می خواهند ،
کسانی که دست اجانب را از شیخ و
دبار خود کوتاه می خواهند آیا
مادر ... ؟ (در کشتی بودنشان
البته کسی شک ندارد)
" دادگاه " میکوتوس و بخود و نیان
قاتل می گردد . چه فرقی می کند که
این باشد یا آن . گان . به نظر بنده
دادگاه باید همه تلاشش بر این باشد
که معلوم بشود " مادر ... " کبت .

ساجه ، گریستان بیاجه ، قتل
رهبران کرد بیاجه مربوط ... حق
دارند صدایشان دریابید که بی
انصاف ها ، ادب و نزاکت تان کجا
رفته ؟
همینطور است که آپروی ایران و
ایسرائی در مجامع بین المللی و
مطبوعات آلمانی بر باد می رود . هر
بار که دادگاه تشکیل می شود ، هر
بار که جبری دوباره صحنه ترور
مختاره می شود ، دوباره این فحش
" مادر ... " و کله اش پیدا
می شود و کدام ایرانی است که در
مقابل حارسی ها احساس شرم نکند
از اینکه تروریست های کشورش ،